جعبه نور

نمایندگان مجلس ارزیابی کردند

تغییر نگاه رسانه ملی در مجموعه‌های مناسبتی

■ موضوع و مضمون مجموعه‌های تلویزیونی مناسبتی همیشه آنقدر جذابیت دارد که طیف‌های مختلف به آنها بپردازند و واکنش‌های خودشان را داشته باشند. نمایندگان مجلس نیز از این قاعده مستثنا نیستند و بازخوردهای خودشان را از پرداختن به برخی از مضامین داشتند. گرایش سه شبکه مختلف سیما به داستان‌های ماورایی در سال ۹۰ باعث شد این واکنش‌ها در ماه رمضانی که گذشت نیز با واکنش‌هایی از سوی نمایندگان خانه ملت روبه‌رو شود. بیشتر نمایندگان مجلس در این رابطه خواستار تغییر نگاه رسانه ملی به مجموعه‌های مناسبتی بودند.

فاقد کیفیت لازم

به اعتقاد حمیدرضا کاتوزیان: «سریال‌های صداوسیما در ماه رمضان فاقد کیفیت لازم برای جذب مخاطب و تاثیرگذاری بر باورهای دینی و مذهبی مردم است. رسانه ملی به عنوان تنها منبع رسانه تصویری مردم باید اصل تنوع را به خوبی رعایت کند در حالی که امسال همچون سال‌های گذشته شاهد کپی‌برداری پررنگ بعضی از سریال‌های صداوسیما از برخی نمونه فیلم‌ها و سریال‌های غربی هستیم.» کاتوزیان با انتقاد از روند غمناک و سوژه‌های متاثرکننده سریال‌های ماه رمضان تاکید کرد: «این تفکر نادرست که در ماه رمضان اکثریت سریال‌ها باید با اشک و ناله همراه باشد، باید تغییر کند. این ماه باید مملو از شادی و تجدید باورهای مذهبی باشد و جز در ایام کوتاه عزاداری آن دلیل برای تزریق افسردگی به جامعه وجود ندارد در حالی که متاسفانه رسانه ملی در ماه رمضان به ساخت و پخش سریال‌هایی می‌پردازد که روحیه شادی را از جامعه دریغ می‌کند و گویا برای افزایش افسردگی عمومی جامعه طراحی شده است.»

رعایت اعتدال در بیان باورهای مذهبی

سید ناصر موسوی‌لارگانی با انتقاد از روند اخلاقی برخی از سریال‌های ماه رمضان گفت: برخی سریال‌های ماه رمضان با وجود نگاه ارشادی که در روند کلی سریال وجود دارد اما به صورت جز به جز دارای نکات منفی نیز هستند. نماینده فلاورجان با اشاره به اینکه بازگویی باورهای مذهبی در سریال‌ها اقدام مناسبی است که باید با دقت و ظرافت جدی پیگیری شود، گفت: در عین حال رعایت اعتدال و جلوگیری از افراط و تفریط در بیان باورهای مذهبی باید به طور جدی مورد توجه باشد. در سریال «پنج کیلومتر تا بهشت» بیان واقعیت مرگ بسیار تحسین‌آمیز است اما تجسم عالم بعد از مرگ و بیان نکات خاصی در این خصوص نادرست است.

نگاه انتقادی صرف به این سریال‌ها نادرست است

مهرداد بائوج‌لاهوتی با استقبال از برنامه‌ها و سریال‌های مذهبی ماه رمضان گفت: «تاثیرگذاری سریال‌هایی با مفاهیم مذهبی بر نسل جوان چندین برابر سخنرانی و برنامه‌های مذهبی است. نباید تنها با بیان نقاط منفی، آثار مثبت کار را نادیده گرفت. محوریت کلی این برنامه‌ها درست برنامه‌ریزی شده است؛ چراکه فهم دین امروز فقط در قالب گفتار برای نسل جدید مشکل است.» نماینده لنگرود در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه بیان مسایل مذهبی و باورهای دینی در قالب فیلم و سریال، تاثیرگذاری زیادی به خصوص بر نسل جوان دارد، افزود: سریال‌های دینی یا فیلم‌هایی با مضامین ترویج تفکر مذهبی در جامعه دارای تاثیرات بیشتر و گسترده‌تری از سخنرانی‌ها یا گفت‌وگوهای مذهبی هستند. ذایقه مردم ما گرایش به سمت تماشای سریال و فیلم‌های خانوادگی است و کانال‌هایی از قبیل فارسی وان امروز با سوءاستفاده از همین ذایقه در حال اشاعه فرهنگ ضد خانوادگی در جامعه هستند.

سوژه‌های ماورایی جذابیت ندارد

محمدرضا خباز با اعلام اینکه زمان پخش و کیفیت سریال‌های ماه رمضان نسبت به سال گذشته راضی‌کننده نبود، معتقد است: «سوژه‌های ماورایی سریال‌های ماه رمضان دیگر جذابیت ندارد. در حالی‌که انتظار می‌رفت سریال‌های ماه رمضان در سال ۹۰ نسبت به سال‌های گذشته بهتر شود، اما متاسفانه از کیفیت کمتری برخوردار بود و حتی بعضا از سطح استاندارد هم پایین‌تر آمد.» خباز با بیان اینکه ساخت تولیدات مناسبتی نیاز به دقت بیشتر دارد، درباره سوژه‌های ماورایی سریال‌های ماه رمضان هم گفت: این سوژه‌ها در سال‌های اولیه جذابیت زیادی داشت، اما اکنون تکرار همان‌هاست و لازم است صداوسیما به دنبال موضوعات جدید باشد، زیرا من نگرانم این مباحث بر تربیت نسل جوان ما اثر منفی گذاشته و باعث شود آنها به جای آنکه دنیا را بر مبنای امور طبیعی ببینند، به امور ماورایی تکیه کنند.»

کمرنگ شدن غنی‌سازی فرهنگی

سیدرمضان شجاعی‌کیاسری با انتقاد از ماهیت و مفهوم سریال‌های ماه رمضان خواستار توجه بیشتر دست‌اندرکاران تهیه این سریال‌ها به مسایل روز جامعه و ایجاد تنوع در ساخت سریال شد. او درخصوص سریال‌های امسال ماه مبارک رمضان با اشاره به اینکه متاسفانه باز هم موضوع سریال‌های ماه رمضان تکراری بود و اغنای لازم و در خور فضای معنوی ماه رمضان را برای بینندگان نداشت، تاکید کرد: سازمان صداوسیما برای تولید سریال‌های ماه رمضان یک سال فرصت دارد در حالی که تیتراژها نشان می‌دهد کار تولید تمامی سریال‌ها را گروه‌های خاصی بر عهده دارند که در طول مدت‌زمان کوتاه تنها برای رفع تکلیف، تولید و ساخت سریال‌ها را با سرعت زیاد انجام داده‌اند تا آنها را به پخش زمانی ماه رمضان برسانند. نماینده ساری در مجلس شورای اسلامی خواستار ارتقای سطح کیفی سریال و فیلم‌های طنز در ماه رمضان شد و گفت: سریال‌های طنز باید حرکت رو به جلوتری داشته باشند و برای اکثریت مخاطبان با نگاه‌های مختلف جذاب بوده و با زبان طنز نابسامانی‌های فرهنگی را اصلاح کند.

عکس: عباس کوثری، شرق

درد دل‌های داریوش فرهنگ از وضعیت هنر و هنرمند و جامعه

سریال‌های ما اغلب خنثی هستند

آوا حسینی

برای تماشاگرهای نسل جوان سینما و تلویزیون، داریوش فرهنگ شاید خلاصه می‌شود در چند سریالی که اخیرا بازی کرده و چند فیلمی که طی دهه۸۰ کارگردانی و اکران کرده است، اما برای آنهایی که از دهه۶۰ سینما را دنبال می‌کنند و بیننده تلویزیون هستند، او یادآور مجموعه طنز به یادماندنی سلطان و شبان (۱۳۶۱) است و فیلم‌هایی چون طلسم، شاید وقتی دیگر و دو فیلم با یک بلیت و تماشاگران تئاترهای پیش از انقلاب هم نمایش‌هایی که سال ۱۳۴۷ همراه با گروه تئاتر پیاده، بر صحنه برده را فراموش نمی‌کنند. گروهی که اعضای اصلی آن به جز فرهنگ، مهدی هاشمی و گلاب آدینه بودند و همراهانی چون مرضیه برومند، رضا بابک، ایرج طهماسب، ناصر هاشمی، حمید جبلی، فاطمه معتمدآریا و علیرضا خمسه داشتند و آخرین حضورشان بر صحنه، بعد از ۱۱ سال اجرای مداوم، نمایش دایره گچی قفقازی نوشته برتولت برشت بود که سال ۱۳۵۸ آن را اجرا کردند و البته تعدادی از اعضای این گروه بعد از ۳۰سال به سرپرستی داریوش فرهنگ دوباره گردهم آمدند و دو سال پیش نمایش گالیله را بر صحنه بردند. پخش مجموعه تلویزیونی پنج کیلومتر تا بهشت، بهانه خوبی شد تا درباره انگیزه و دلیل انتخاب‌های امروزی این بازیگر و کارگردان سینما و تئاتر که بخشی از فعالیت‌هایش را با هم مرور کردیم، بپرسیم. او که در روزهای آغازین شهریور ماه همچنان مشغول تصویربرداری صحنه‌های پایانی مجموعه پنج کیلومتر تا بهشت بود، خواست سوال‌هایمان را برایش فاکس کنیم تا او کتبی پاسخ دهد. این کار انجام شد اما داریوش فرهنگ گویا درد و دل‌های بسیاری داشت و ترجیح داد به جای بیشتر سوال‌های ارسالی، حرف‌ها و نظرهای خودش را درباره شرایط روز جامعه و وضعیت هنر و هنرمندان در این شرایط بنویسد و ما هم برای بازتاب نگرانی‌ها و دغدغه‌های یک هنرمند، پاسخ‌هایش را منتشر می‌کنیم، هرچند هنوز جواب سوال‌هایمان را از او طلب داریم.

به نظر می‌رسد در این چند ساله گرایش بیشتری به تلویزیون داشتید تا سینما و تئاتر! جریان از چه قرار است؟ دستمزد بالا، نقش‌های اول یا...؟

راستش انتخاب کارها و سلیقه‌ها در حرفه هنر خیلی دست خودمان نیست! همیشه کارها آن‌طور پیش نمی‌روند که «تو می‌خواهی.» شرایط سخت جامعه، شرایط خط قرمزها و ممیزی‌ها، شرایط تهیه و تولید، روحیه و احوالات مردم، بحران‌های اقتصادی و... همه و همه دست به دست هم می‌دهند که بیشتر انتخاب «بشوی» تا انتخاب «کنی»! یکی از شانس‌های زندگی من «در بازیگری» همین حق انتخاب کردن است که آسان تن به هر کاری نمی‌دهم.

این وسواس و سختگیری از کجا می‌آید و به کجا می‌خواهدبرسد؟

من تا آنجا که در توانم هست تلاش دارم کمال‌طلب باشم، روحیه بلندپروازی دارم. یادتان باشد بلندپروازی با جاه‌طلبی فرق می‌کند. جاه‌طلبی راه به جایی نمی‌برد، ممکن است نیازمندی‌های بی‌مقدار تو را برآورده کند اما بلندپروازی «که لازمه هر هنر و هنرمندی است» تو را با ناشناخته‌ها و جهان گسترده‌تری روبه‌رو می‌کند. افق‌های دید تو را از مرز دو متر و سه متر بسیار بسیار جلوتر می‌برد. حالا این پرواز خیال و سلیقه چقدر می‌تواند به واقعیت برسد جای سوال است. همیشه هم جواب نمی‌دهد! از بین پنج تا کار، دو تایش هم جواب بدهد کافی است.

شما به این بلندپروازی رسیده‌اید؟

دامنه بلندپروازی بسیار بلند است. جناب عشق بلند است. همتی باید! تلاش خودم را می‌کنم که پاسخ این کمال‌گرایی را که در کارگردانی و سینما نمی‌توانم بگیرم، با بازیگری جبران کنم!

چرا در کارگردانی نمی‌توانید بگیرید؟

خیلی پیچیده است. سینما شکلی از هنر و شکلی از صنعت و تجارت است! ۲۰درصد آن خلاقیت است و ۸۰درصد آن به شرایط اقتصادی و بازار و بازگشت سرمایه برمی‌گردد. در بازیگری، تو فرصت کمال‌گرایی بیشتری داری. پرخاشگری درونی و بیرونی که ناشی از زندگی و جامعه است، اعتراضات خفته و بیدار انسانی، ناگفته‌های عاطفی فردی و اجتماعی، نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را در بازیگری، بیشتر می‌توانی نشانه بروی! بیشتر می‌توانی فریادت را بلند و بلندتر بکنی.

مثل اینکه بازیگری را بیشتر دوست دارید؟

از مرز دوست‌داشتن و انتخاب گذشته. همه ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که تشویق به سهل‌پسندی و دلال صنعتی شده‌ایم. تشویق به آسان‌پسندی و گذران عمر برای همان «روز» شده‌ایم. آنقدر مسایل پیچیده روزمره داریم و با آنها دست به گریبان هستیم که مجال پرواز «خیال» و اندیشه از ما سلب شده است. کمتر کشوری را در جهان سراغ دارید که هر روز، هر ساعت و هر لحظه‌اش شاهد و ناظر یک مساله نباشد. ما هنرمندان نمی‌توانیم تافته جدا بافته‌ای از مردم و اجتماع باشیم. چطور می‌تواند فرصت ظرافت و هنر را به وجود بیاورد؟ در یک شکل عمومی سینما و تلویزیون «زبان تصویر در هر دو، یکی است» پر از تکرار موضوع، تکرار سلیقه و حتی تکرار آدم‌هاست. اصلا چرا باید تماشاگر امروزی با همه اطلاعاتی که از طریق ارتباطات جهانی دارد شاهد و ناظر کارهای ما باشد؟ رودربایستی نکنیم؛ تماشاگر امروز سینما و تلویزیون به شدت رو به افول است. در هر کوی و برزنی، در هر خانه‌ای، تماشاگر می‌تواند بهترین فیلم‌های تاریخ سینمای قدیم و جدید را با «هزار تومان» روی DVD تماشا بکند. سینمای ما کجا قرار دارد؟ امروز در هر خانه‌ای از طریق ماهواره زیباترین سریال‌ها را «حداقل از نظر فرم و بصری» تماشا بکنند.

با وجود ممنوع بودن ماهواره و جمع‌آوری آنها؟

بیایید روراست و واقعی باشیم. کدام جمع‌آوری؟ هر از گاهی حرکاتی برای جلوگیری از ماهواره و گسترش آن انجام می‌شود. اما نتیجه آن چه بوده و چه خواهد بود؟ مگر می‌شود جلوی اطلاعات ثانیه به ثانیه‌ای که در جهان می‌افتد را گرفت؟ مگر می‌شود جلوی اخبار پنهان و آشکار را گرفت؟ یادتان می‌آید چقدر جوان در هنگام بروز VHS در جامعه گرفتار شدند؟ برای چه؟ نتیجه چه شد؟ گذشته‌ها گذشته و نمی‌شود جلوی این موج پرشتاب تکنولوژی را گرفت. در آینده نزدیک، کار به جایی خواهد رسید که دیگر نیازی به دیش و ماهواره و پنهان‌کاری باقی نمی‌ماند. هنرمندان و روشنفکران همیشه جلوتر از جامعه و دولت هستند. آنها چیزهایی را می‌بینند و می‌گویند که اقلا ۱۰ تا ۲۰ سال آینده به آن می‌رسیم.

به نظر می‌آید شما به مسایل سیاسی علاقه‌مند هستید؟

من نه سیاسی‌ام و نه علاقه‌ای دارم که باشم. نه به دار و دست‌هایی وصلم و نه اهل حزبی در این کره خاکی‌ام. کار سیاست «پنهان کردن» چیزهاست و کار «هنر» آشکار کردن» آنها. هرگز در جوامعی مثل آسیا در خاورمیانه، آب‌شان در یک جوی نمی‌رود. من یک شهروندم که گمان می‌کند «هنرمند» است و کار هنرمند پرداختن به معرفت و کمالات است؛پرداختن به عواطف پنهان و آشکار مردمی. امروزه کار به جایی رسیده که هر کس یا هر شهروندی هر اظهارنظری بکند او را به یک جناح و دار و دسته می‌بندند و حرف و نظر او را سیاسی می‌دانند. چه سیاسی باشد و چه نباشد!! واقعا چه معنایی دارد؟

به نظر می‌رسد حرف‌های شما بیشتر به جامعه و سیاست می‌پردازد تا هنر.

من هم اهل همین شهر و خانواده‌ام. قلبم برای همین مردم می‌تپد و چراغم در همین خانه می‌سوزد! جایی به دنیا آمده‌ام که قطعا به همان جا برمی‌گردم. پرستوها را فراموش نکنید

پس چرا در کارهایتان فیلم‌های سیاسی نمی‌سازید؟

هرگز در طول تاریخ، هیچ‌کس در ایران فیلم سیاسی نساخته است. نیش و کنایه با فیلم سیاسی ساختن فرق می‌کند. کدام فیلم را سراغ دارید که در زمان معاصر خودش، منظور همزمان بودن با دولتی که سرکارست، فیلمی سیاسی باشد؟» نمی‌خواهیم خودمان یا تماشاگران را گول بزنیم. تماشاگر امروز بسیار بسیار آگاه‌تر و با شعورتر شده، فریب، شعار، سفسطه، دروغ و فریب را از ما نمی‌پذیرد. او پیوسته از ما جلوتر است. فیلم‌ها و سریال‌های ما اغلب خنثی و بی‌خاصیت هستند. من اهل سیاست بازی نیستم اما اهل مصلحت و باری به هرجهت بودن هم نیستم. مگر چقدر حق انتخاب دارم؟ چقدر با خودم و تماشاگران می‌توانم صادق باشم؟ ما هنرمندان به‌جای هزارتو، صدهزار توی پیچیده داریم! امروزه دیگر پایان شعار و سفسطه است. امروزه همه مردم جهان به دور از هر رنگ و نژاد و دین و آیین، کنار هم زیستن را می‌خواهند! واقعیت‌ها را می‌خواهند. ما ملتی صاحب تاریخ و «ادبیات» و شعر و شعوریم. چرا نگران واقعیت هستیم؟ هر چه را پنهان کنیم از جای دیگر سر می‌زند. اعتماد و اطمینان را از میان برمی‌دارد. ما باید نگاه سنتی و کلیشه‌ای خودمان را عوض بکنیم و رو راست باشیم. تردید نکنید نتیجه بهتر و سازنده‌تری دارد. باید به روز بود و حقیقت جهان یگانه را پذیرفت! هر چه را که از مردم دور نگه داریم و آنها را به چیزهای دیگر سوق بدهیم؛ حریص‌تر می‌شوند. همه ما دنبال چیزهایی هستیم که نداریم! و نه به دنبال چیزهایی که داریم! نه داشتنی را خوب می‌شناسیم و نه نداشتن را.

هرگز در طول تاریخ، هیچ‌کس در ایران فیلم سیاسی نساخته است. نیش و کنایه با فیلم سیاسی ساختن فرق می‌کند. کدام فیلم را سراغ دارید که در زمان معاصر خودش، منظور همزمان بودن با دولتی که سرکارست، فیلمی سیاسی باشد؟» نمی‌خواهیم خودمان یا تماشاگران را گول بزنیم

تلویزیون ما «عموما» در سخنرانی‌ها و برنامه‌هایش انگار با کودک چهار، پنج ساله روبه‌روست. نمی‌خواهد مجال اندیشیدن را به او بدهد.

بعضی‌ها به جای او تصمیم می‌گیرند، به جای او فکر می‌کنند و وکیل و وصی مردم شده‌اند. چطور به خودمان اجازه می‌دهیم که به جای دیگران فکر کنیم و به جای آنها تصمیم بگیریم؟ هنرمندان کشور ما از برنامه‌های Farsi one و manoto 1 عقب‌تر هستند؟ مردم ما عقب‌تر هستند؟ فرهنگ و تاریخ و هویت و شعر و شعور ما عقب‌تر است؟ پس چرا تلویزیون ما آمار تماشاگرش را از دست داده و به سوی آنها می‌رود؟ یک جذابیت اولیه دارند که مرا هم به خود جلب می‌کنند، آزادی عمل در مضمون و محتوا و فرم و زیبایی! نمی‌شود دست و بال پرنده «هنرمند» را ببندیم و بگوییم پرواز کن.

من از بی‌بندوباری دفاع نمی‌کنم اما از برنامه‌های دیدنی و جذاب ماهواره‌ها دفاع می‌کنم، آزادی عمل و تنوع، مرزی نمی‌شناسد! ما نه تنوع داریم و نه سلیقه بصری! خب انتظار دارید تماشاگر، سریال‌های تکراری با موضوعات تکراری را با اشتیاق تماشا کند؟

موافقید برگردیم به تئاتر و سریال و سینما؟

ایرادی ندارد همه آنها از یک آبشخور آب می‌خورند. قبل از انقلاب تماما کار تئاتر می‌کردم و به گواه تاریخ و بروشورها و نقدها، هرگز کار سفارشی و مصلحتی نکردم. نه اهل باج‌دادن بوده‌ام و نه اهل باج‌گرفتن. اما حالا از تئاتر خوشم نمی‌آید.

چرا؟ شما که با گروه «تئاتر پیاده» بنیان‌گذار تئاتر پیش‌رو و دانشجویی‌بودید.

بله... آن روزها شاید برای اولین‌بار تئاتر پیش‌رو و دانشجویی را با عنوان «گروه تئاتر پیاده» با مهدی هاشمی راه‌اندازی کردیم. حالا تئاتر (به دلایل بسیار) خیلی حقیر و فقیر و تنگ‌نظر شده. گویا رشد فرهنگی در کارگزاران فرهنگی، گروه‌ها را به این سمت سوق داده است! با سال‌ها سابقه در کار هنر دیگر سره را از ناسره تشخیص می‌دهم. بودجه اندک تئاتر، همه را به جان هم انداخته، سالن به اندازه لازم نداریم و اشتیاق را بیشتر از لزوم داریم. آن‌وقت شما، خانواده‌ات که با هم در خلق چیزی تلاش می‌کنند، زندگی می‌کنند، خیال‌پردازی و دورپروازی می‌کنند اما متاسفم که بگویم و هرکس به‌جای ترقی و پیشرفت فکر می‌کند که چرا فلانی امکانات دارد و من ندارم؟ تئاتر تجلی‌گاه فکر و اندیشه یک جامعه است وقتی بلنگد تردید نکنید یک پای جامعه می‌لنگد؟ آخر مگر می‌شود نمایش بزرگ گالیله را با یک ماه تمرین به صحنه آورد؟

و تلویزیون؟

اگر می‌خواهد محبوبیت گذشته را بین مردم پیدا کند چندین کار لازم را بلافاصله باید انجام بدهد.

چه کارهایی؟

تنوع، آزادی‌عمل، استقلال! و روراستی با مردمان! تلویزیون نباید از اظهارنظر فلان سازمان بهراسد! باید استقلال خودش را حفظ کند. مگر هنرمندان در هر کاری، کارشناسی و دخالت می‌کنند که سازمان‌ها اجازه دخالت پیدا می‌کنند؟ اساسا هیچ برنامه هنری و هیچ تلویزیونی در جهان وجود ندارد که بتواند همه‌جور سلیقه و اندیشه را راضی کند! اصلا نیازی به راضی‌کردن همه نیست! باید استقلال‌نظر و عقیده داشته باشد. باید از تکرار مکررات بپرهیزد. باید از زبان تصویر (و نه رادیو و روزنامه) استفاده کنند. بهترین سخنرانی‌ها و برنامه‌های به‌ظاهر آموزنده، کسالت‌بارند، اگر از مدیوم تلویزیون و تصویر و خلاقیت بصری استفاده نکنند. تلویزیون یک هنر «دیداری» است و نه «شنیداری.»

و سینما؟

از هم جدا نیستند؟ باید از مضمون‌های تکراری و دست‌وپاگیر فراتر رفت، سال‌های ۶۰ تا ۷۰ را نگاه کنیم اگر روزگاری ایران را با پسته و قالی و چاه نفت می‌شناختند، امروزه در تمام دنیا سینمای ما را می‌شناسند. آیا باید این هنر را پر و بال داد و آن را حمایت کرد یا در قفسی کوچک نگه داشت؟ هنرمندان، استعداد و شکوفایی را به تئاتر و تلویزیون و سینما دادند اگر آنها را هزاربار محدود و محدودتر نکنیم! عصر غفلت و چشم روی هم گذاشتن روی پیشرفت‌ها، گذشته است!

از برنامه‌های آینده‌تان بگویید. انگار امروز کج‌خلق هستید.

هر انسانی در یک روز بهاری یا آفتابی یا ابری، احوالات دیگری دارد. من به‌عنوان یک ایرانی یا یک شهروند دوست ندارم چشم روی آنچه که می‌بینم و حس می‌کنم ببندم و خودم را به کوچه علی‌چپ بزنم. شاید حق با شما باشد. امروز دل‌مرده‌ام و ابدا علاقه‌ای ندارم درباره کارم حرف بزنم یا خودم را به آن سنجاق کنم. اگر چیزی بوده در سریال پنج کیلومتر تا بهشت، خودش باید حرف خودش را بزند. اگر حساسیت هنرمندانه‌ای در اجرای نقش یک پدر غیرکلیشه‌ای و غیرمرسوم بوده، خودش باید حرف خودش را بزند.

و در مورد کارهای آینده‌تان؟

طی دو سال گذشته علاوه بر بازیگری در سریال بی‌گناهان و پروسه پنج‌ساله کلاه‌پهلوی و بازی در سریال پنج کیلومتر تا بهشت، دو فیلم سینمایی ساخته‌ام به نام: «یک گزارش واقعی» که خیلی آن را دوست دارم و تهیه‌کننده‌اش «بنیاد سینمایی فارابی» بود که علاوه بر اکران نکردن فیلم، آن را سوخت و به آرشیو سپرد! همیشه کارهایی را که دوست‌داری با مشکل مواجه می‌شوند و آنهایی را که چندان رغبتی نداری در بوق و کرنا می‌نوازند.

فیلم بعدی خنده در باران است؟ چرا تا به‌حال اکران نشده است؟

من هم مثل شما نمی‌دانم! خنده در باران یک فیلم مفرح است که صرفا برای تماشاگر ساخته شده با امید به بازگشت و چرخش سرمایه و نه چیز دیگر! اما به‌دلیل بی‌انضباطی تهیه‌کننده در امر حرفه‌ای و مالی، نمی‌دانم چه بر سر فیلم آمده؟ از وقت آن گذشته یا اگر اکران مناسبی داشته باشد جوابش را می‌گیرد؟ بی‌خبر از من، تهیه‌کننده، فیلم را زیر بغل گذاشته و در هر جشنواره‌ای و حتی «خانه سینما» برای مسابقه و جایزه به نمایش می‌گذارد! خنده در باران نه برای مسابقه و جایزه ساخته شده و نه برای شرکت در فستیوال‌ها. ابدا از این جنس نیست. فیلم‌هایی از این دست صرفا جنبه تجارتی دارند و لاغیر! می‌بینید آنچه را که دوست‌داری همیشه اتفاق نمی‌افتد؟

دیگر غصه این چیزها را نمی‌خورم. قرار است یک سریال بسازم و در یک سریال به نام «داوران» به نویسندگی و تهیه‌کنندگی سعید شاهسواری بازی کنم که کارگردانش احمد امینی است.

چراغ جادو

مرور پرونده‌ای بسته‌شده

وعده به سال دیگر موکول شد

■ با حلول ماه شوال، پرونده مجموعه‌های تلویزیونی ماه مبارک رمضان ۹۰ هم بسته شد و انتقادهای مثبت و منفی به آنها نیز فروکش کرد و این سوال را باقی گذاشت که با اینکه واکنش به مجموعه‌های تلویزیونی اتفاق تازه‌ای نبوده و نیست و ادامه خواهد داشت، اما چرا در سالی که گذشت به مجموعه‌هایی اختصاص داشت که مضامین مذهبی و به اصطلاح ماورایی داشتند. واکنش‌های منفی و مثبت نسبت به مجموعه‌های مناسبتی ماه مبارک رمضان در سال ۹۰ از همان روز سوم ماه مبارک که معلوم شد مضمون سه مجموعه از چهار مجموعه تلویزیونی ماه رمضان، مضامین ماورایی دارند، آغاز شد. پاسخ به این سوال که در سالی که بیشترین حجم رسانه‌ها به انتقاد و اعتراض علیه بالا رفتن عقاید خرافی و مسایل به اصطلاح ماورایی اختصاص داشت، برنامه‌سازان و شورای طرح و برنامه رسانه با همه حساسیت‌هایی که به برخی از مضامین دارند فضای بعد از افطار را به موضوع مرگ و زندگی در کما و حضور فرشته و شیطان داده بودند. واکنش‌های منفی به این مجموعه‌ها تا حدی بالا رفت که به صحن علنی مجلس و منابر مذهبی هم رسید و شورای طرح و برنامه، تلویزیون را مجبور به تشکیل جلسه‌ای فوق‌العاده با مدیران شبکه‌های تلویزیونی کرد؛ جلسه‌ای که تصمیم اصلی‌اش ایجاد ممیزی بیشتر در ساخت مجموعه‌های تلویزیونی در سال آینده بود. براساس گفته مدیر شبکه اول سیما قرار است در سال آینده ساخت مجموعه‌های تلویزیونی با نظارت بیشتری صورت گیرد و تنها مجوز یک مجموعه ماورایی صادر شود.

جدال فرشته با شیطان

سقوط یک فرشته برخلاف نامش در مورد مقاومت یا همراهی با شیطان بود. در این فیلم که ساخته بهرام بهرامیان بود برای نخستین بار شیطان به عنوان راوی نقش خودش را بازی می‌کرد. سقوط یک فرشته داستان دو خواهر بود که یکی با قرآن همراه بود و دیگری در برابر وسوسه‌های شیطان سست بود. شیطانی که به نظر می‌رسد نقش آن را مهرداد صدقیان در نقش جوانی امروزی بازی می‌کرد. البته پایان‌بندی این مجموعه در نهایت نشان داد که بهرامیان به شیوه مجموعه‌های پلیسی معادله را بر هم زده است. این مجموعه اگرچه مانند کارهای قبلی بهرامیان مضمون تازه‌ای را با بازی هنرمندانی چون مسعود رایگان، مهرداد صدقیان، خاطره اسدی، فریبا کوثری به نمایش گذاشته بود، اما مضمون تکراری جدال خیر و شر و شیطانی که در قالب مهرداد صدقیان سعی می‌کند این دو خواهر را گول بزند، آنقدر تکراری است که به نظر می‌رسد اگر به جای مجموعه تلویزیونی یک مجلس سخنرانی مذهبی پخش می‌شد، بیشتر دیده می‌شد.

سی روز از یک ماه

مجموعه شبکه دوم سیما برخلاف مجموعه شبکه اول یک فرشته واقعی داشت، فرشته‌ای که نقشش را پژمان بازغی بازی می‌کرد. سیاوش ناخواسته دوستش را کشته و در آستانه اعدام با فرشته‌ای روبه‌رو می‌شود که خبری هولناک به او می‌دهد. البته پخش این مجموعه در ساعت‌های پایانی شب یعنی ۱۲ و همزمانی‌اش با پخش فوتبال باعث شد تا کمترین تعداد بینندگان را داشته باشد. با این همه، اعتراض به این مجموعه تا جایی رسید که هومن سیدی، بازیگر اصلی آن نیز از حضورش در این مجموعه اظهار نارضایتی کند.

پنج قدم در یک ماه

از شانس شبکه سه بود یا بدشانسی‌اش که پنج کیلومتر تا بهشت به کارگردانی علیرضا افخمی با بازی داریوش فرهنگ و مهدی سلوکی درست بعد از افطار پخش می‌شد. این سریال برخلاف سی‌امین روز خیلی خوب دیده شد و بیشترین انتقاد و واکنش را با خود همراه کرد. داستان درباره یک پسر جوانی بود که در اثر ضربه‌ای به کما می‌رفت و به همراه روح دختری که ۲۰ سال در کما بود به دنبال اثبات بی‌گناهی خود بود. این همان مضمونی است که چند سال پیش سریال‌های «کمکم کن» به کارگردانی قاسم جعفری با بازی حمید گودرزی و «ملکوت» به کارگردانی سیروس مقدم که سال گذشته با بازی کوروش تهامی و محمدرضا شریفی‌نیا پخش شد هم همین مضمون را داشتند. نکته جالب در این مجموعه با وجود بازی خوب بازیگران، مضمون و داستان است که شباهت برخی از قسمت‌هایش با فیلم‌هایی مثل هری پاتر مورد انتقاد قرار گرفت. روحی که در حال درس خواندن در دانشگاه است و باید به کلاس درسش برسد تا سوار شدن روح‌های سرگردان در ماشین برای رفتن به جای دیگر کمی با باورهای مذهبی منافات دارد. دامنه انتقاد به این مجموعه به حوزه علمیه قم هم رسید و برخی از چهره‌های مذهبی به شیوه نشان دادن روح در این مجموعه اعتراض کردند.

سه دونگ مال تو

مجموعه سه‌دونگ سه‌دونگ تنها مجموعه‌ای بود که چنین واکنش‌هایی را به همراه نداشت. این مجموعه که به کارگردانی شاهد احمدلو بود، تنها مجموعه‌ای بود که مضمون ماورایی نداشت و طنز بود. طنزی که حتی نگاه متفاوت احمدلو و همراهی مجید صالحی در دو، سه قسمت پایانی هم نتوانست آن را از غرق شدن در ورطه مضامین تکراری و شوخی‌های کلیشه‌ای نجات دهد. البته این مجموعه هم حاشیه‌های خودش را داشت و ممنوعیت پخش آن از چند شبکه استانی باعث حرف و حدیث‌های زیادی شد.